

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

پیدایش خط و انواع آن
چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد
جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

ده روز قبل جناب آقای سید هاشم وکیل رئیس کانون وکلاء دادگستری تهران از لحاظ اهمیت موضوع جعل و کثرت آن در دادسراها و محاکم و سایر مراجع دیگر وعدم توجه و عنایت باین موضوع مهم خواستار شدند که مقاله جامعی در اطراف این موضوع بنویسم و از طریق مجله کانون انتشار دهم بنابراین برای خدمت بحوزه قضا و جلب توجه قضات محترم و همکاران گرامی بر آن شدم درخصوص جعل مقاله جامع ومانعی با مراجعه به مآخذ و مدارک علمی و فنی انتشار دهم و چون رسم و رویه من براین است که هر مقاله تهیه میکنم در یک شماره منتشر شود ولی از آنطرف نظر باینکه موضوع جعل خیلی مهم و گنجایش چندین مقاله را دارد که اگر باجمال و اختصار برگذار شود ایجاز مخل بوده و انتشار آن نیز در یک شماره اطناپ عمل میباشد و موجب تصدیع خاطر قارئین گرام خواهد شد حاضر شدم سلسله مقالاتی پیاپی درخصوص جعل در چند شماره انتشار دهم شاید مورد عنایت و توجه همکاران محترم و قضات دانشمند قرار گرفته و زحمات و تحقیقات اینجانب فوائد و نتایج نیکوئی برای جامعه قضائی ایران داشته باشد .

پیدایش خط و انواع آن

خط عبارت است از تجسم خیال و اندیشه بصورت نقش و نگار و علائم و حروف و وسیله قراردادن آن در زمان و مکان برای فهم دیگری این معنی از بدو پیدایش تمدن در دماغ بشر ایجاد شده و مراحلی را پیموده تا بمرحله الفبائی رسیده است .
مراحلی را که خط تاکنون پیموده است عبارتند :

- ۱ - مرحله نقش و نگار
- ۲ - مرحله علائم و نمودار
- ۳ - مرحله صوتی و آهنگی
- ۴ - مرحله الفبائی یا مخرجی

مرحله نقش و نگار

انسان از وقتی که بخود آمد و با افراد تماس گرفت کوشش نمود تصورات و خیالات خود را در سایه صور و اشکال معینی بطرف بفهماند و این تجسم افکار را وسیله تفهیم و تفهم قرار داده بود مانند خط هیرو گلیف مصریها .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مرحله علائم و نمودار

این مرحله عبارتست از تعیین علائم خاصی برای هر اسمی اعم از اسم ذات و معنی و در این مرحله تفهیم و تفهیم بیشتر بسط و توسعه پیدا کرده و خطوط مصریهای متأخر و بابلی‌ها و آشوریها از این نوع خطوط تشکیل میشد .

مرحله صوتی یا آهنگی

در این مرحله هر خط و یا شکلی نشانه یکی از صوتها است و غالباً واژه‌ها با اصوات و مقطعات جدا جدا ساخته شده و هر صوتی حکایت از مقصود و منظور خاص گوینده مینماید و یک صوت با تغییر آهنگ تغییر معنی میدهد مانند خط چینی که مخلوطی از علائم و اصوات میباشد .

مرحله الفبائی یا مخرجی

در خطوط الفبائی هر حرف نماینده یک مخرج بوده و مخرج گاهی حروف مصوته و گاهی حروف مصسته را ادا میکند و از ترکیب مجموع حروف واژه‌ها و کلمات ساخته میشود مانند خطوط سامی - لاتینی - هندی - اسلامی و سایر زبانها که الفباء مخصوصی دارند از خطوط الفبائی میباشد .

انسان دوره ترسیم افکار را قبل از دوره ترسیم اصوات پیموده و این اختراع بر سایرین تفوق و برتری داشته زیرا بدین طریق افکار خود را به آسانی در نتیجه بکار بردن علائم و آثاری که در حکم کمک حافظه بوده روی اشیاء ترسیم مینموده که برای مثال بذکر چند نمونه از آن می پردازیم .

در قدیم در جزیره سوماترا که سکنه آنرا اغلب از اهالی ماله تشکیل میداد و امروزه یک قسمت از کشور اندونزی میباشد کلیه وسایل ارتباطات و مواصلات فکری آنها با صور و اشیاء صورت میگرفت مثلاً بسته‌ای که حاوی نمک و فلفل و ناس بود برای یکدیگر میفرستادند و هر یک از این مواد بین آنان مفهوم و معنی خاصی داشت نمک علامت عشق فلفل کینه و ناس حسادت بود و درجات احساسات با کمیت و مقدار آن مواد بستگی داشت .

تاریخ نشان میدهد که پادشاهان سیت (Scythe) بداریوش کبیر پیغامی فرستاد و پیغام او عبارت از یک پرند و موش و یک قورباغه و یک تیر بود که معنای آن این است که از آسیب من در هیچ زمان و مکانی در امان نیستی اگر چون مرغ به هوا پرواز نمائی و چون موش در زیر زمین مخفی شوی و یا مانند قورباغه در آب پناه ببری عاقبت با این تیر تو را خواهیم کشت .

امروزه این عمل بین اسکیموها و بعضی از سکنه نقاط سواحل غربی افریقا معمول و متداول است .

این سیستم نیز بین قریب بوستان و مپوم (Wompoums) متداول بوده که

با یک رشته سروارید که از الوان مختلفه ترکیب شده بود یک سلسله افکار و مفاهیم خود را تبلیغ مینمودند و هر رنگی حکایت از یک معنای مخصوصی مینمود .

در زبان آلمانی حروف الفباء را بوخ اشتاین میگویند (Buchstaben) که معنای تحت اللفظی آن عبارت از کتاب چوبی است و ریشه آن از همین میستم قدیمی است که استعمال علائم روی چوبها در آلمان قدیم معمول و مرسوم بوده است .

- ردهات ایران هنوز هم مرسوم است که روی چوبی علائم و آثاری از تراشیدگی که حکایت از میزان حساب و معامله بین بایع و مشتری میکند بیگذارند و با آن چوب که موسوم به چوب خط است معاملات و دادوستد انجام میگیرد .

درچین مرسوم بود اگر معشوقی به عاشق خود وقت ملاقات میداد که بیست روز دیگر او را در مکان معینی ملاقات کند هر کدام طنابی برای خود تهیه کرده و هر روز که میگذاشت یک گره بر آن میزدند و وقتی گره ها به بیست عدد میرسید روز معهود بود که باید همدیگر را به بینند .

در ایران در اغلب از شهرستانها افراد مرسومی دارند که برای کمک حافظه گوشه دستمال را گره میزنند و این عمل از انجام عمل مخصوصی که معهود بین طرفین است حکایت مینماید و این رسم از بقایای همان عادات است که آنرا پیکتوگرافی Pictographie میگویند .

این اشکال معهودی و قراردادی بود و بوسیله آن تبادل افکار صورت میگرفت این علائم را هم روی بدن به وسیله خالکوبی یا تاتوآژ (Tatouage) ترسیم مینمودند .

کسی که حامل پیغام بود و نزد پیغام گیرنده میرفت بدن خود را نشان میداد و از مشاهده آن صور و علائم که روی بدن خال کوبی شده بود بی به منویات و افکار پیغام دهنده می برد در جزیره تائیتی (Taiti) این عمل به نحوی رایج و معمول بود که علاوه بر بدن و دست و پا روی چهره افراد هم با خال نقش و نگار میگذاشتند .

در تمام کشورها بین طبقات پائین هنوز این عادت را علی العمیا بدون در نظر گرفتن مفهوم آن بعنوان زینت و اصول تداوی عمل نموده و خالکوبی مینمایند این عمل بیشتر در طبقات پائین و پست صورت می گیرد نه در طبقات تحصیل کرده و نجباء .

امروز در اروپا و آمریکا هر گل و گیاهی که برای کسی می فرستند دارای معنای خاصی بوده و هر گلی که روی کارت چاپ میشود حکایت از یک نوع عواطف و احساسات و صفات مینماید و عاشق یا معشوقه و زن یا شوهر از مشاهده گلها و نباتات بی به افکار و منویات و مقاصد یکدیگر می برند که قسمتی از معانی گلها و نباتات را ذیلاً شرح میدهیم :

گل میخک دوستی - گل میخک قرمز عشق سوزان - ااقیا عشق معنوی - گل زیرفون عشق مخفی - گل سرخ زیبایی - گل خطمی خیر خواهی - گل توت فرنگی سیرت خوب - گل روناس بهتان و افتراء - گل بهار نارنج عصمت - گل شقایق تسلیت - گل نیلوفر طنازی - گل اشرفی ناسپاسی - گل گزنه بی رحمی - گل لاله اظهار عشق - گل نرگس تکبر - گل سرخ قلب سوزان - گل ریحان کینه - گل بلوط مهمان نوازی - بنفشه ایرانی وفا - غنچه گل سرخ دختر جوان - گل آفتاب گردان من شمارا دوست دارم .

گل بنفشه فرنگی حجب - گل زعفران زیاد روی مکن - گل میوزوتیس مرا فراموش مکن - گل یاس اولین هیجان عشق - گل رازقی خصایل قلبی - گل میخک زرد تنفر - برگ خشک مایخولیا - گل کوکب حق شناسی - گل گندم ثروت - گاه شکسته فصل - کاه درشت وصل - گل شمعدانی حماقت - قارچ سوء ظن - گل لاله عباسی شرم حضور - یاسمن قرمز فراق - گل روز سفید سکوت .

خط بعد از طی مراحل علائم صوتی بصورت خط الفبائی درآمد و بشر کلیه مقاصد و افکار خود را با در نظر گرفتن هر حرفی که مخرج آن از یک قسمت از دهان است و عبارت است از لب ، دندان ، زبان ، حلق ، سقف دهان و بینی است ادا می نمود و کلیه اصوات را با ترکیب آن حروف ادا نموده و تفهیم و تفهم صورت می گرفت علم تلفظ مخصوصاً در زبان عربی که به علم تجوید موسوم است علم جدا گانه ای را تشکیل داده که هر فردی با تحصیل این علم میتواند بخوبی از ادای کلمات و الفاظ که حکایت از معانی مخصوصه میکند بر آید .
فقیها یا (کنعانیها) اول ملتی بودند که این الفباء را اختراع کرده و به یونان برده آنها هم همین الفباء را اقتباس کرده و الفبائی با کمی تغییر تشکیل دادند و رومیها از یونانیها پیروی نمودند .

علت اینکه فقیها مخترع و مبتکر این الفباء بودند این است که چون ملت تاجر بوده و به بحر پیمائی دست داشتند و اغلب نقاط مختلفه زمین را سیاحت مینمودند برای تماس با افراد و برای اینکه کلیه معاملات آنان به نحو سهل و آسانی صورت گیرد و بتوانند عملیات تجاری خود را با نقاط مختلفه عالم انجام دهند متمسک باین اصل شدند و الفباء را اختراع کردند و در تمام کشور های سواحل بحر الروم و حتی شمال اروپا این الفباء را انتشار دادند .

خط فنیقی قدیمترین و سهل ترین خطوط الفبای دنیای قدیم بوده خط عبری - سریانی - نبطی - عربی - سانسکریت - لاتین - یونانی - لاتی - سانسکریت - سغدی - ایغوری غیر از چینی از آن خط اقتباس شده است اغلب از ملل اختراع خط را بخود نسبت میدهند .
چینی ها یا امپراطور فوهی (Fou-hi) عبریها به انوخ (Enoch) و ابراهیم و موسی و یونانیها به سرکور رب النوع (عظارد) بعضیها به فقیها (کنعانیان) مخصوصاً کادموس (Cadmus) و اسکاندیناویها به اودن (Odin) و عده ای بمصریها که توت (Thot) و هرمس (Hermès) در عداد آن است نسبت میدهند .

صنعت نقاشی حروف از طریق تصاویر و علائم که نماینده تلفظ صوت انسانی است با مراجعه بنوشتهجات عبریها و ممالک مغرب زمین از مصریها بدست آمده است بعد خط در کله باب شد و از کله بین عبریها و از عبریها بوسیله فقیها در تمام کشورهای عربی و در تمام سواحل مدیترانه این عامل بزرگ تمدن انتشار داده شد .

فقیها بوسیله کادموس همانطور که هر دوت مورخ یونانی میگوید علوم مختلفه را به یونان آورده و در عداد آنها خط یکی از این علوم بود که قبل از ورود فقیها یونانیها بهره از آن نداشتند .

بربوف (Brébeuf) شاعر فرانسوی در کتاب فارسال (Pharsale) در تعریف

خط چنین مینویسد .

C'est de là que nous vient cet art ingénieux
De peindre la parole et de parler aux yeux,
Et, par des traits divers de figures tracées,
Donner de couleur et du corps aux pensées.

که معنی آن این است که از فقیها این صنعت شگفت انگیز و محیر العقولی بما رسیده که در سایه خطوط و علائم مختلفه و اشکال ترسیم شده به افکار خود رنگ خاص داده و آنها را مجسم مینماییم .

تا اوایل قرن ۱۹ اهل تحقیق تصور میکردند که در دنیا اصول خطوط بیش از سه خط نبوده است . خط چینی - خط هندی - خط ساسی .

ولی امروز معلوم گردید که تمام خطوط از روی خطوط فقیها (کنعانیان) اقتباس شده است .

عبرها از فقیها خط را اقتباس کرده و کلیه ملل هم از آنها پیروی نمودند .

قسمتی از الفباء ملل مختلفه از قبیل فرانسه - انگلیسی - آلمانی - ایتالیائی - اسپانیولی -

یونانی - عربی - فارسی - هندی و غیره بر طبق حروف ابجد میباشند .

مثلاً
A B C D
K L M N
Q R S T
ابجد
کلمن
قرشت

و هر یک از حروفی که ابجد را تشکیل میدهد از الفبای عبری گرفته شده زیرا

الفبای عبری همان حروف ابجد میباشد و هر حرفی از حروف ابجد مفهوم و معنی خاصی در زبان عبری دارد که ذیلاً بشرح آن میپردازیم .

الفبای عبری از ۲۲ حرف اصلی تشکیل شده است .

حروف ابجد	شماره	تلفظ بزبان عبری	معنی
ا	۱	الف	فیل
ب	۲	بت	خانه
ج	۳	گیمل	شتر
د	۴	دالت	درب
ه	۵	ه	سوراخ
و	۶	واو	میخ
ز	۷	زئین	اسلحه
ح	۸	حت	آغل

طریقه کشف جدول در عصر حاضر

معنی	تلفظ بزبان عبری	شماره	حروف ابجد
مار	طت	۹	ط
دست	یود	۱۰	ی
کف دست	کاف	۲۰	ک
چوب سرطاب	لامد	۳۰	ل
آب	میم	۴۰	م
ماهی	نون	۵۰	ن
تکیه گاه	سامخ	۶۰	س
چشم	عین	۷۰	ع
دهان	ف	۸۰	ف
صید کردن	صدی	۹۰	ص
قفا	قوف	۱۰۰	ق
سر	رش	۲۰۰	ر
دندان	شین	۳۰۰	ش
یوغ	تاو	۴۰۰	ت

سابقاً بعضی از این کلمات از لحاظ آمیزش عبریها با آسوریها بصورت دیگر درآمده است .

آریائیها که برای پیدا کردن مراتع جهت اغنام و احشام خود بطرف ایران آمده بودند فقط به پرستیدن قوای طبیعی و ستارگان و چراندن گله های خود اشتغال داشته و دوره شبانی را میپیمودند و از خط و رسوم شهرنشینی و فرهنگ عاری بوده و نوشتن را از سامیها مانند سایر نژاد آریائی از قبیل هند و یونان روم و غیره اقتباس نمودند .

سلاطین و بزرگان خط را از رعایا و اسراء خود آموخته و این قبیل افراد را که تحت سلطه و اقتدار آنان اداره میشدند دیو میگفتند و بهترین دلیل این ادعا شعاری است که فردوسی در این باب سروده و حاکی است از اینکه پادشاهان قدیم ایران مانند طهمورث خط را از اسراء و مغلوبین که آنها را دیو میگفتند آموخته اند که ذیلاً درج میشود

بر آشفتم و بشکست بازارشان	چو طهمورث آگه شد از کارشان
بجان خواستند آن زمان زینهار	کشیدند نشان خسته و تشنه خوار
بیاموزی از ما کت آید پیر	که ما را مکش تا یکی نوهنر
دلش را بدانش بر افروختند	نباشتن به خسرو بیاموختند
چو رومی چه نازی و چه پارسی	نباشتن یکی نه که نزدیک سی
نگاریدن آن کجا بشنوی	چو سغدی چه چینی و چه پهلوی

برطبق مدارک موجوده ایرانیان (مادیهها) در مدتی که تحت اوامر و سلطه ملل

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مقتدر سامی (آشور) بودند با خط آشوری که میخی است آشنا شدند و پس از کسب استقلال خط میخی را تکمیل کردند و بخود اختصاص دادند در سنگها و کتیبه ها این خطوط بر طبق اوامر کورس - داریوش - خشایارشا بکار برده شده است و خط دیگری هم که از خطوط سامیها بود و بخط پهلوی مشهور گردیده است معمول به آن زمان بود در حدود سنه ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد طوایف سامی نژاد که آنها را فنیقی یا کنعانی مینامند با این خطوط سروکار داشته و لفظ میخی هم از عربی گرفته شده زیرا اعراب این خط را خط المسمار می نامیدند .

خطوط اصلی اعراب دونوع بوده یکی کوفی و دیگری نسخ که در قرن هفتم و هشتم هجری بتدریج خط کوفی رو بزوال نهاد و خطوطی که بعد از قرن هفتم معمول بوده از اینقرار است :

نسخ - ثلث - نستعلیق - ریحانی - محقق - رقاع

از این شش خط خطوط دیگر اختراع شد .

نستعلیق در قرن دهم هجری رواج پیدا کرده و ابتداء همان خط نسخ بوده که آنرا کوچک و کوتاه و مدور کرده تا باین شکل درآمده است .

خطوط ثلث نستعلیق و نسخ بوسیله یا قوت مستعصمی و میرزا بایسنقر و شمس الدین هروی و خواجه اختیار اصلاح شد و نسخ هم بوسیله احمد تبریزی جرح و تعدیل گردید . میر علی تبریزی اولین شخصی است که نستعلیق را بصورت زیبایی نوشت که مورد توجه عموم واقع گردید بعد از او میرعلی هروی و ملاجعفر تبریزی و سلطان محمد و سلطان علی مشهدی است که در قرن دهم میزیستند .

آخرین فردی که در صدد تکمیل خط نستعلیق برآمد میر عماد قزوینی است و پس از او محمد علی رضا تبریزی کتابدار شاه عباس که به علی رضای عباسی معروف است و خط نستعلیق و ثلث را بخوبی مینوشته است .

در عصر حاضر میرزا سنگلاخ بجنوردی مؤلف تذکرة الخطاطین و میرزا فتحعلی شیرازی متخلص به حجاب و میرزا غلامرضا کلهر که این خطاطان معاصر محمد شاه و ناصرالدین شاه بودند .

در این اواخر عمادالکتاب - ملک الخطاطین - میرزا مهدی ایزدی ملقب به (دبیر خاقان) - منظوری - بوذری - عبدالرسولی - زرین خط - حاج امیرالکتاب از خطاطان درجه اول بشمار میروند .

خط نستعلیق در هند - افغانستان - مصر و اغلب از ممالک عربی مورد توجه است .

خط شکسته هم که خط باریک و قدیمیست بوسیله عبدالمجید درویش در اواخر صفویه اصلاح گردید ولی متأسفانه این نوع خط رو به زوال میروود و شاید تا چند سال دیگر بهیچوجه قابل استفاده نباشد .

خط شکسته با شیوه های مخصوصی در این اواخر دیده شده از قبیل امیر نظام گروسی - امین الدوله - عبدالمجید میرزای عین الدوله - احمد قوام (قوام السلطنه) - حاج امام جمعه خوئی - حسین سمیعی - (ادیب السلطنه) - یوسف مشار صفاری (مشارعظم) که اغلب شکسته نستعلیق مینوشته و مینویسند .

در هر حال در عالم خطوط مختلفه وجود دارد که هر خطی اختصاص بیک قوم و نژاد داشته و این خط حکایت از آداب و رسوم و طرز زندگانی و روحیات و خصائص اخلاقی و فردی و اجتماعی و نژادی آنها کرده و آن خطوط عبارتند از فارسی عربی هندی چینی یونانی روسی آلمانی لاتینی که خطوط لاتینی در کلیه کشورهای اروپا از قبیل ایتالیا سویس انگلیس بلژیک فرانسه اسپانی پرتغال دانمارک سوئد نروژ هلند و قسمتی از ممالک بالکانی و ممالک امریکای شمالی و جنوبی و استرالیا و اقیانوسیه و جنوب افریقا و ترکیه معمول و متداول است و خطوط عربی در تمام ممالک عرب نشین و فارسی هم در هندوستان و پاکستان و ایران و افغانستان رایج میباشد .

از روی هر یک از این خطوط میتوان باوضاع و احوال اقتصادی و جغرافیائی و اخلاقی و اجتماعی آن هر کشوری کاملاً پی برد .

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد

عادت

نویسندگی کار عادتست و مثل سایر اعمال محصول اندیشه و هوش است . اساس و مبنای عادت تکرار عملست و از تمرین و تکرار هر عمل عادت بوجود میاید . عادت در حکم طبیعت ثانویست و چیزیکه تکرار میشود تولید طبیعت ثانوی را مینماید .

فعالیت هر موجود بستگی دارد بشدت علاقه او نسبت باشیاء هر چیز مکرری تولید عادت کرده و عادت تمایل را ایجاد و تمایل عمل را بوجود میآورد .

تعارضی همیشه بین من عادت و من متفکر ایجاد میشود من عادت نویسنده اصلی و من متفکر جاعل و نویسنده تصنعی میباشد .

عادة عمل مکانیکی و غیرمتفکر میباشد عادت با حیوة کلیه موجودات همراهست . تمام اعضا بدن مخصوصاً اعضائیکه اعمال حیاتی را انجام میدهند و کلیه سلولها در نتیجه عادت عملیات خود را انجام داده و مجموعه عادات اعضا و سلولها حیات بدن را تشکیل میدهد پس عادت یکی از قوای داخلی است که انسان را بدون اینکه توجه و فکر او دخالت داشته باشد وادار بیک سلسله عملیات میکند .

حرف زدن - راه رفتن - خوردن یا عکس آن تمام بیک سلسله از عادات ما است . عادت کلیه قوای ظاهری و باطنی انسان را تشکیل میدهد .

روابط و رشته خون و خویشاوندی چیز دیگری جز عادت نیست که تمام افراد دارای خصال و صفات مشترکه هستند بحجت اطفال نسبت بپدر و مادر روی عادتست و اگر طفلیرا بوسیله دایه شیر دهند همان عواطف و احساسات را از نظر عادت به دایه خواهد داشت و دایه قائم مقام مادر میشود .

مشترکات اخلاقی یک جامعه در کلیه شئون حیاتی عادتست و بس .

این غریزه در اغلب حیوانات صدق پیدا میکند که اغلب پرندگان را میتوان عادت داد که نغمه مخصوصی را بسرایند .

در سیرر کها در نتیجه تمرین و عادت دادن بحیوانات اسب اعمال ریاضی از قبیل جمع و تفریق را انجام میدهند و یا سگ با آهنگ پانوی صدای خود را موزون و هماهنگ مینماید . طوطی در نتیجه عادت و تکرار یک سلسله الفاظ و عباراتیرا تلفظ میکند .

اسب در نتیجه عادت مسیر معینرا طی مینماید و اگر از مسیر اصلی اورا منحرف کنند میایستد تا صاحبش برسد و اورا هدایت نماید .

نباتات از قوانین عادت معاف نیستند شاخه درخت بهمان جهتیکه عادت کرده است رشد و سیر می کند اگر بخوانند این عادت را ترك نماید باید با یک طناب قوی اورا ببندند تا پس از مدتی در نتیجه عادت تابع اراده و منظور آنان شود .

عادت حتی در اشیاء غیر ذیروح و جمادات برقرار است و اقیون عقیده داشتند که سنگ و کلیه ذراتیکه بهم التصاق پیدا کرده تا اورا تشکیل داده همان عادات ثابت و دائمی آنهاست .

پس عادت تکامل در فطرت و ذاتیاتست و بمنزله قدرت نامرئی در ما میباشد . موسیقی و دانستن زبان چیز دیگری نیست مگر عادت گوش و ادای کلمات و الحان و اوزان و آهنگهای آن و نقاشی عادت چشم است نسبت باندازه گیری و تشخیص رنگها .

بعضی مردم کاملاً متوجهند که برای انجام هر امری یک وسائل شخصی دارند که در عداد اعمال غیر ارادی آنهاست و فکر و اندیشه در آن دخالت ندارد دست بکنفر راننده ماشین سواری و یا طیاره در نتیجه عادت میزانتست و تطبیق باره میکند و یا یک ماشین نویس قابل روی عادت در تاریکی شب میتواند با انگشتان خود منویات خود را ماشین نماید پس با توجه باین نکات تحریرات و نوشتجات اشخاص عبارتست از ترکیب عده بیشمارى از عادات و معرف هر شخصی میباشد نویسنده طوری عادت دارد در حاشیه گذاشتن یا نگذاشتن یا بکطرف و دوطرف را حاشیه دادن که کلیه این عملیات جزء حیات نویسنده است و هر قدر سعی و کوشش شود که این روش را تغییر بدهند بهمانقدر که وقت و زبان ایجاب کرده عادتش شود ترك آن هم همان میزان و مقدار زمانرا لازم دارد زیرا هر نویسنده در موقع تنظیم یکنوشته یا یک سند نکاتیرا در نظر میگیرد که در نتیجه تمرین بدست آمده و از نظر زیبایی نویسنده خصوصیات و اسلوبیرا در نوشتجات خود انتخاب میکند که نویسنده دیگر نافع آن خصوصیات میباشد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

- ۱ - فواصل بین خطوط و کلمات را عادت ایجاد مینماید .
- ۲ - طرز کرسی کلمات و قراردادن و سوار کردن روی هم .
- ۳ - داشتن حاشیه یا نداشتن حاشیه دست راست یا چپ بالا یا پائین هر کدام یک عادت است .
- ۴ - جای امضا یا قرار دادن امضا بعد از نوشته که بعضیها وسط و بعضیها اول و بعضیها آخر سطر امضا مینمایند .
- ۵ - خط افقی سر بالائی سر پائینی انحنای در نوشتجات فرع بر عادتست .
- ۶ - خط متوازی و عرضی فواصل بین خطوط نوشته روی پاکت یا یک کاغذ ساده .
- ۷ - ترتیب عنوان سرنامه مقدمه خاتمه نامه تاریخگذاری و ارتباط آنها با اصل نوشته .
- ۸ - قهره بندی تقسیم بندی تکرار حذف .
- ۹ - تنظیم ارقام اختصار کلمات و علائم آن در خط .
- ۱۰ - نوشتن بین دوسطر و تکرار کلمات در نوشته .
- ۱۱ - عنوان پاکت و اندازه آن .
- ۱۲ - ارتباط کلمات باهم از لحاظ شکستگی و درستی کلمات یعنی تمام حروف یا نصف حروف .
- ۱۳ - تعداد کلمات در یک سطر مانند نوشته تلگرافی .
- ۱۴ - نقطه گذاری و سطر بندی .
- ۱۵ - خط کشی زیر کلمات از نظر تأکید .
- هر نویسنده یکی از نکات بالا عادت دارد .
- اعضای وزارت خارجه ایران چون کارشان کم است خط ملوس و زیبا دارند .
- گمرکچی - پستی تلگرافی - تقریر نویس و تند نویس چون باید زیاد بنویسند خطشان بد و تنده ولی محکمست و عادت بتند نوشتن دارند .
- بعضیها پهن و گشاد و با دست سنگین مینویسند و فواصل خطوطشان زیاد است چون هنوز نویسندگی ملکه آنها نشده و مبتدی هستند
- از پشت پاکت و خطوط آن همیشه میتوان پی برد نویسنده کیست بدون اینکه نیازی بمراجعه بکاغذ جوف پاکت داشته باشد .
- از روی نوشته میتوان قضاوت کرد خط مبتدیست یا کار کرده بچه است یا بزرگ زنت یا مرد .
- انواع نوشتجات و عادات روی طرز نگاهداری قلم و طرز نوشتن روی میز یا روی زانو و حرکت دست است فشاری که بقلم میآید شدت و ضعف دارد عمودی یا افقی گرفتن قلم زانو یا فشار بطرف چپ یا راست یا مساوی قلم تأثیر در خط دارد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

حرکت انگشت ابهام وسطی و سیاه حرکت مچ دست حرکت آرنج و ساعد و شانه تمام این حرکات در ترسیم خطوط و کلمات و تمرین آنها برحسب عادت شیوه مخصوصی ایجاد مینماید .

قط چیزیکه عادت را در قسمتی از دست میدهد کمی مواد لازم یعنی لوازم التحریر از قبیل کاغذ و غیره برای نوشتن است که این خود یکنوع عادت دیگری ایجاد مینماید سابقاً چون لوازم التحریر نادر و کمیاب بود از لحاظ صرفه جوئی در کلیه نوشتجات حاشیه میرفتند و حتی قسمتی از مطالب بصورت بین السطورین در میآمد کتب قدیمی ما مانند فقه و اصول کاملاً مثبت این معنی میباشد .

جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

کلیه اسوری که محصول اندیشه و فکر بشر است یکی از علائم و آثار بارز شخصیت او میباشد .

هر کس را از طرز گفتار - رفتار - افکار - اشارات - حرکات - سکنتات - راه رفتن - غذا خوردن - لباس پوشیدن - مسکن - کار - محتویات جیب - زینت آلات - نوشتجات - کتاب و رفتارنش میتوان شناخت .

کلیه این عوامل مترجم ساختمان دماغ و روحه افراد میباشد و انقبای ناطقی است که در اولین تماس و ملاقات میتوان قضاوت در باره آن شخص نمود . شخصیت ناشی از عناصر مادی است که حیات انسانرا تشکیل میدهد .

با مراجعه به قانون وراثت و مطالعات عمیق در حیوانات منویه اعم از سرد وزن و با مشاهده افراد یک خانواده معلوم میگردد که تشابه کامل جسمی و روحی در صفات و خصایل و خطوط ریزه چهره و سیمای پدر و مادر با اولاد و نوادگان آنان وجود دارد .

سلولهای هر کس از پروتوپلاسم هسته و عده زیادی ترکیبات شیمیائی خمیری ساخته شده و مجموعه فعل و انفعالات فرد عناصر بایکدیگر و با محیط خارج است و شخصیت هم متفرق در تمام اجزای آن و هم متمرکز در هر فرد آن میباشد دریک سلول و یک نسج کوچک عوالم و جهان وسیعی ذخیره شده مانند حافظه انسان که مرکز آن در مغز است در کمون این سلولهای کوچک چه مطالب زیاد و چه مناظر کثیر بایگانی و عکس برداری شده است که در موقع مراجعه در مقابل ذهن انسان عبور داده میشود .

در هر حال نوشتجات و خطوط هر کس اعم از دستی و ماشینی از آثار همین سلولها بوده و حکایت از روحيات و صفات شخص نویسنده مینماید و میتوان کاملاً بدرجه آموزش و پرورش روحی و جسمی او پی برد مثلی است معروف در انگلیسی که معرف هر کس اولین کلمه ایست که از او ادا میشود که عین آن ذیلاً نقل میشود :

EVERY PERSON IS ACKNOWLEDGED BY HIS FIRST WORD.

و سعدی علیه الرحمه به نحو دیگری این معنی را بیان نموده است .

تامرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد .

هر کس با خودش تطبیق میکند و کپیه و رونوشت خودش میباشد .
فطرت و ذاتیات را نمیتوان کاملاً تغییر داد و با حالت تصنعی نمیتوان
خصال و صفات خود را مکتوم و مستور نمود .
در زبان ایتالیائی ضرب المثلی است معروف که میگوید مار تغییر پوست میدهد
ولی تغییر خصلت نخواهد داد که عین آن ذیلاً نقل میشود .

IL SERPENTE CAMBIA LA PELLE MA NON IL VIZIO

در دنیا استتار مطلق وجود ندارد .

از فواصل بعینه انسان قادر شده است که بوسیله رادار از پشت پرده های ضخیم
موانع مناظر مطلوب را عکس برداری کند .

اشیاء لازم نیست فقط از طریق انعکاس نور مستقیم در نظر ما جلوه گری کند از
طریق انعکاس امواج ناسرئی نیز میتوان پی بوجود آنها برد و با وسایل ژئوفیزیک
(Géophysique) قشر های خاکرا از اعماق زمین و درون آن بوسیله پاندول
یا گالوانومتر (Galvanomètre) قضاوت نمود و از مقدار نفت یا آب اطلاع پیدا کرد .
در نتیجه مساعی و کوششهای بشر است که به اسرار و مکنونات طبیعت پی برده
زیرا اعمال طبیعت و جریان آن با سابق قرتی ندارد تغییر طبیعت بستگی و ملازمه با تمام
بشر و طرز اجرای این اعمال و اسرار را دارد .

آفتاب و سایر اجرام سماوی همان حرکات ازمنه گذشته را انجام میدهد ولی انسان
اسروزه پی به قوانین و حرکات این اجرام برده و آنها را مستخدم خود نموده است .
هر کس در هر رشته ای هست وظیفه دارد پرده را بالا زده و قسمت اعظم از قوانین
طبیعت و اسرار آنرا آشکار نماید .

علم چیز دیگری نیست مگر بیان روابطی که در طبیعت مابین علل و معلولها
موجود است و هدف علم کشف حقیقت است انسان باید حوادث و قضایا را موشکافی کرده
و ارتباط آنها را با یکدیگر پیدا نماید این اصل را علماء دترمینسیم (Determinisme)
یا ترتب معلول بر علت میگویند .

با نیروی علم و پر تو دانش و کسب فضایل و کمالات عصر باید به کشف حقایق پرداخت
و بینائی برای هر فرد و اجتماعی در نتیجه پاره کردن پرده های جهل و نادانی پیدا شده
و آنرا به رموز و اسرار واقف خواهد ساخت شرط بقاء هر موجودی متناسب بودن او
با محیط و عصر خواهد بود .

در سوره قی آیه ۲۱ خداوند این نکته را کاملاً بیان نموده که ذیلاً عین آیه
شریفه درج میشود

لقد كنت في غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد

ای انسان تو در غفلت بسر بردی پس پرده جهل را از مقابل چشمان تو بر سیداریم
تا دیده و بینائی تو تیز و روشن گردد .

بین ما و دنیا پرده ای است که روی آن به خیال خود نقوش رسم کرده و اسمش را دنیا میگذاریم پس دنیای خارج از یکنوع مصالح بیشتر تشکیل شده است یک دنیا در خارج وجود دارد و یک دنیا هم در مغز هر يك از ماها . اگر روزی آیه شریفه تحقق یافت و پرده از مقابل برداشته شد ما کاملاً در ریز کاریها و اعماق اشیاء نفوذ کرده آن روز تمام اسرار گذشته خود و دیگران بر ما روشن خواهد شد .

امروز علم فیزیک و شیمی نقش بزرگی را در کشف جعل و تزویر اسنادبازی کرده و باتکاء این دو علم با جلب نظر متخصصین فن میتوان به خوبی به اصالت و عدم اصالت اسناد و نوشتجات پی برد و برای درک این معنی باید نوشته را تعریف نمود سپس به رعایت بعضی اصول و نکات که بکشف حقیقت کمک مینماید پردازیم .

سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استفاده باشد و بدو صورت ممکن است تحصیل شود یا بوسیله دست و یا ماشین و ممکن است تقلباتی در هر دو قسمت اعمال شود که کشف آن فقط بوسیله کارشناسان فن باتکاء نیروی علمی و فنی انجام خواهد گرفت زیرا قبل از پیدایش علم خط فظرویی تجربه اصولیرا اتخاذ کرده بودند که بوسیله آن بکشف حقایق میخواستند پی ببرند ولی این اصول ناقص و غیر مکفی بوده و قادر به کشف حقیقت و احراز اعتبار اسناد و نوشتجات نمیشدند ولی امروز در نتیجه پیشرفت علوم و فنون بشر به یک رشته از حقایق پی برده و میتواند با چشم باز در یک امری یا وسایلی که در دست دارد اظهار نظر نماید .

در مورد تشخیص خطوط اعم از دستی و ماشینی و پی بردن به اصالت و عدم اصالت خطوط و امضاآت نکات زیرین را باید در نظر گرفت و هر قسمتی از آنرا در هر مورد که ایجاب نماید مورد توجه قرار داد تا صحت و عدم صحت آن کاملاً محرز گردد .

۱ - امضاء اصیل است یا نه .
۲ - امضاء در وضعیت طبیعی نوشته شده یا وضع طبیعی خود را از دست داده است .
۳ - آیا گواهانی که در تنظیم سند شرکت کرده اند گواهی آنان صحیح بنظر میرسد یا نه و بهمان نحویکه بنظر میرسد گواهی داده اند یا نه .
۴ - آیا امضاء ذیل سند بستگی با نوشته دیگر دارد یا بعداً امضای مزبور نوشته شده است .

۵ - آیا نوشته متن سند اصیل است یا نه .
۶ - آیا نوشته طبیعی بنظر میرسد یا تغییر شکل داده است .
۷ - آیا نمونه های امضاء صحیح میباشند و با امضاها و تاریخ صحیح آن تطبیق میکنند .

۸ - آیا آثار مداد یا کاربنی است که طرح نوشته و امضاء را تهیه کرده است .

۹ - آیا در ظهر ورقه اثری از امضاء ظاهر و هویداست .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

۱. - آیا سند و نوشته تنظیمیه قبل از تا شدن کاغذ صورت گرفته است .
- ۱۱ - آیا امضاء قبل از تا شدن و یا بعد از تا شدن ورقه انجام یافته .
- ۱۲ - سند چند مرتبه تا شده و بجه نحوی تا شده است .
- ۱۳ - آیا نمونه امضاء تطبیق با تاریخ آن میکند .
- ۱۴ - آیا یک قسم جوهر و مرکب برای تنظیم سند بکار رفته است .
- ۱۵ - آیا سن جوهر یا مرکب تطبیق با تاریخ سند مینماید .
- ۱۶ - چه نوع کاغذی بکار رفته اندازه شکل رنگ و ساخت آن چیست و آیا آثاری از پیدایش آن وجود دارد .
- ۱۷ - علامت کاغذ چیست .
- ۱۸ - آیا اوراق دیگر سند همان اندازه وضاحت و رنگ را دارا میباشد .
- ۱۹ - آیا کاغذ خطی همان آثار و علائم را دارد .
- ۲۰ - آیا کاغذ پاره سوخته شده و بریده است و این اعمال به چه منظوری صورت گرفته است .
- ۲۱ - آیا کاغذ که اندازه و قطع غیر معمولی دارد کنارش بریده شده یا قیچی گردیده است .
- ۲۲ - آیا کاغذ تعمیر شده است .
- ۲۳ - چند مرتبه این عمل انجام شده و به چه نحوی صورت گرفته است .
- ۲۴ - آیا کاغذ خود به خود کثیف و مجال شده است یا تصنعی و ساختگی بنظر میرسد .
- ۲۵ - آیا پدیدگی رنگ یا لکه هائی روی کاغذ مشاهده میشود و چه باعث آن شده که باینصورت درآمده و آیا این عمل طبیعی است یا غیرطبیعی .
- ۲۶ - آیا اسناد و نوشتجات دارای خراشیدگی و آثار محوشیمیائی و غیرشیمیائی است و این تغییر و تبدیل بجه نحوی انجام شده است .
- ۲۷ - آیا در اسنادی که محو و تراشیدگی بعمل آمده است بوسیله نور و روشنائی دیده میشود .
- ۲۸ - آیا مرکب و جوهر آن با مرکب و جوهر اوراق دیگر مشابه است .
- ۲۹ - آیا سند کپی شده و یا فشار و منگنه صورت گرفته است و علائم و آثار رطوبت در آن دیده میشود .
- ۳۰ - اگر آثار رطوبت مشاهده میشود به چه منظور بوده .
- ۳۱ - آیا آثار مداد یا قلم یا سایر علائم اتفاقی روی سند دیده میشود .
- ۳۲ - سطور ماشین شده با چه ماشینی صورت گرفته است .
- ۳۳ - آیا تمام سند بوسیله یک ماشین نویس انجام گرفته است .
- ۳۴ - آیا تاریخ ماشین یعنی ساخت آن با تاریخ سند تطبیق میکند .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

۳۵ - آیا کلمات - ارقام - شرایط - جملات - مقررات نوشته با صفحات بوسیله ماشین کنندگان مختلف انجام شده است .

۳۶ - آیا عمل ماشین سند بوسیله شخص ماهری انجام شده .

۳۷ - آیا تو رفتگی حواشی - نقطه گذاری و فواصل آن یکی است .

۳۸ - آیا نوشته ماشین شده بوسیله یک ماشین نویس قابل که مدعی هستند

انجام شده .

۳۹ - آیا ارتباط صفحات بادر نظر گرفتن زبان و نوار تطبیق با سایر کارهای ماشین

در همان تاریخ مینماید .

۴۰ - آیا سوراخها یا ته چکها یا کاغذی که از آن جدا میشود تطبیق میکند .

و آیا ته چک دارای همان علائم کاغذ پیوسته با آن میباشد .

۴۱ - آیا سند از طریق کپی یا کاربن بدست آمده و از حیث اندازه وضعیت موضوع

و شرایط و سر کاغذ تطبیق مینماید .

۴۲ - آیا چاپ و خط کشی روی کاغذ تاریخ و نشانه دیگری دارد .

۴۳ - در صورتیکه سندناسه باشد آیا آثار از مهر - تمبر پست - ابطال تمبر یا

باز کردن پاکت یا برآمدگی روی ضامنه آن مشاهده میشود .

۴۴ - آیا نوشته خشک شده است یا استعمال خشک کن بکار رفته و نشانه ادامه

یا عدم ادامه آن است .

۴۵ - آیا قرو رفتگی - حاشیه کاغذ اعم از دستی و ماشینی روی ورقه ایست که

در بالای کاغذ مورد امتحان قرار داده شده است .

۴۶ - آیا اثر مرکب تحریر یا سوراخ ستجاق یا ابطال تمبر یا سوراخ منگنه

با اصل آن تطبیق میکند .

۴۷ - آیا نقش مهر لاستیکی از مهر صحیح برداشته شده .

۴۸ - آیا سوراخ و منگنه و ته سوش واجد آثار و تاریخی میباشد .

۴۹ - آیا مهری است که در تاریخ معین زده شده یا آثار و نقشی است که از مهر

اصلی برداشته شده .

۵۰ - آیا اسامی کوچها - موضوعات که درسند اشاره شده تاریخ دارد و یا آثار

دیگری دارد که حمل بر صحت و اعتبار آن بشود .

برای اینکه خوانندگان گرام را خسته نکرده باشیم در این شماره بهمین قدر

اکتفا کرده و بقیه آنرا که عبارت از اقسام جعل و عناصر و عواملی که در تکوین و پیدایش

آن مؤثر است با طریقه کشف جعل در شماره های بعد مجله کانون شرح خواهیم داد و از

ملائی که از قرائت اینمقاله برای آقایان پیدا شده پوزش طلبیده و توفیق همگی را در خدمت

بدستگاه قضائی از خداوند متعال خواستارم .

(بقیه دارد)